

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ژان میشل ورنوشه
برگردان از: حمید محوی
۲۵ جون ۲۰۱۳

ایران، تخریب ضروری

بخش ۱۵



ضمیمه ۳

جولای ۲۰۱۰ - ایران : افزایش تمایلات ناآرامی داخلی، المثنای اجتناب ناپذیر وخامت مشکل هسته نی

نخستین نشانه های افزایش اخیر نیروی سانترفورژها در سال ۲۰۰۴ در خوزستان و کردستان با کنگره بنیانگذاری پژاک تجلی کرد و از آن تاریخ حدود هشتاد عملیات نظامی در کردستان ایران را به ثبت رساند. این حملات نظامی، در اپریل ۲۰۰۶ نیروهای ایران را بر آن داشت تا دو بار وارد کردستان عراق شوند. کاملاً مثل نیروهای ترکیه که امروز، یعنی آخرین روزهای سال ۲۰۰۷، دائماً وارد کردستان عراق می شوند.

طی اپریل ۲۰۰۵ بود که در خوزستان شورش شد، واقعه ای که با ملاقات احتمالی سعید طاهر (۸۱) یکی از رهبران جبهه خوزستان در واشینگتن با برخی مشاوران کاخ سفید تلاقی داشت. از تاریخ سپتمبر، زنجیره ای از عملیات تروریستی سامانه های نفتی با ارزش حیاتی در خوزستان (لوله گاز) را هدف گرفت و تا بهار ۲۰۰۶ (با هدف قراردادن پالایشگاه تهران) ادامه یافت. موج بلند، سونامی فراخواست مرزی (۸۲) با دو دور انتخابات ریاست جمهوری طی ۱۷ و ۲۴ جون ۲۰۰۵ همراه شد. بلوای خشونت باری که می توانیم آن را بی هیچ تردیدی به عنوان اقدام برای بی ثبات سازی جمهوری اسلامی تلقی کنیم. بلوای خشونت باری که تا امروز تدام یافته اگر چه در ابعادی نازلتر.

در اینجا باید یادآوری کنیم که، ۲۰ فبروری ۲۰۰۵، نمایندگان هفت سازمان مختلف با دعاوی ملی در لندن گردهمایی داشتند. ۲۶ اکتوبر ۲۰۰۵ گردهمایی دیگری در واشینگتن برگزار شد، و سپس به ابتکار مایکل لدین و «آمریکن

اینترپرایز انستیتو» گردهمایی عمومی دیگری راه اندازی شد. زنجیره ای از تلافی رویدادها که مطمئناً چیزی فراتر از همزمانی ساده است.

در نتیجه، ناآرامی در بهار ۲۰۰۶ از سر گرفته شد، به ویژه در آذربایجان، تبریز طی ۲۴ می موج عظیمی به خود دید که از سال ۱۹۷۹ و دوران انقلاب بی سابقه به نظر می رسیده، یعنی رویدادی که احمدی نژاد روز ۲۵ می در فردای آشوب ها، دشمن خارجی را به عنوان عامل تحریکات قومی معرفی کرد.

سلیچ سیدنمن هاریسون(۸۳)، مدیر مرکز روابط بین المللی (۸۴) طی مقاله ای که به تاریخ اکتوبر ۲۰۰۷ در لوموند دیپلماتیک منتشر شد، به شکل گسترده توضیح داده است که چگونه کاخ سفید برای بی ثبات سازی ایران از طریق عوامل نفوذی از درون اقدام کرده است «با کمک به گروه های جدائی طلب، عربها، کردها، بلوچها و آذربایجانی ها». سوء قصد از سوی گروه مبارز سنی جندالله، که به تاریخ ۲۸ می ۲۰۰۹ و به همچنین ۱۶ جولای ۲۰۱۰ به شکل بمب گذاری در مسجد شیعیان در زاهدان، در بخش جنوب شرقی ایران، به وقوع پیوست و توسط همین گروه بازشناسی شد، تمام مشخصات سناریوی هرج و مرج تخریبگر را با خود همراه دارد : یعنی لبریز شدن بی ثباتی پاکستان روی مرز ایران و تقویت تنش های منطقه ئی بین شیعیان و اهل سنت.

پی نوشت :

(۸۱) مترجم : املائی نام این شخص به لاتین به شکلی است که تنها «سعید طاهر» برای من قابل خواندن است. در نتیجه من نام او را به همان شکلی که در متن آمده در زیر قید می کنم

Said Taher Naamahad

(۸۲) مترجم : فراخواست مرزی مرتبط به خوزستان. زیرا در طرح امریکا برای تجزیه ایران، منطقه خوزستان و جنوب ایران، باید به کشوری مستقل به نام عربستان اهواز تبدیل شود.

(۸۳) Selig Seidenman Harrison

Centre for International Policy (84)

گاهنامه هنر و مبارزه

۲۴ ژوئن ۲۰۱۳